

خاک‌سپاری داور مشهدی در قطعه نام‌آوران



مراسم خاک‌سپاری داور پیشکسوت فوتبال استان روز گذشته برگزار شد و جواد تقی‌پور در قطعه نام‌آوران بهشت‌رضای مشهد به خاک سپرده شد. این مراسم روز گذشته در هوای برفی مشهد با حضور گروهی از پیشکسوتان، داوران و علاقه‌مندان به فوتبال خراسان برگزار شد. شادروان محمدجواد تقی‌پور متولد ۱۳۴۲ و با مدرک کارشناس تربیت‌بدنی دبیر ورزش آموزش‌وپرورش بود. او از سال ۱۳۶۴ داوری را آغاز کرد و از سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸ میلادی به‌مدت ۱۰ سال کمک‌داور بین‌المللی فوتبال کشورمان بود. شادروان تقی‌پور که اخلاقی و رفتار خویش زبازند همگان بود، اولین بار در سال ۱۳۷۱ بازی تیم‌های استقلال تهران و راه‌آهن شاهرود را اسوت زد و آخرین بار در ۱۲۶ اردیبهشت ۸۹ مسابقه پرسپولیس- سپاهان در هفته آخر لیگ برتر نیم‌را اقصاوت کرد. در کارنامه قضاوت او پرچم‌زدن در جام باشگاه‌های آسیا، بازی‌های مقدماتی المپیک، بازی‌های مقدماتی جام‌جهانی ۲۰۰۶ و دربی تهران دیده می‌شود. زنده‌یاد تقی‌پور عصر ۱۶ آذر ۹۹ بر اثر بیماری سرطان، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

بازگشایی مراکز ورزشی از ۲۲آذر

بعد از گذشت ۱۷ روز از اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه کرونایی در کشور، بالاخره مشهد از وضعیت قرمز خارج شد و در وضعیت شکننده نارنجی قرار گرفت تا مشاغل ورزشی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مجاز به فعالیت باشند. درباره جزئیات این اتفاق هنوز تصمیمی گرفته نشده و گفته می‌شود احتمال دارد محدودیت ساعتی خاص برای فعالیت اماکن ورزشی (احتمالاً بین ۱۰ صبح تا ۱۷ عصر) در نظر گرفته شود. این وضعیت شکننده و به قولی «لب مرز» است که با رعایت‌نکردن دستورالعمل‌ها، امکان بازگشت مجدد وضعیت قرمز برای آن وجود دارد.

مصدمیت اسماعیل نجاتیان در اردوی تیم ملی

تنهاکشتی گیر مشهدی دعوت‌شده به اردوی تیم ملی دچار آسیب‌دیدگی شد. اسماعیل نجاتیان که به‌همراه سایر ملی‌پوشان در اردوی تیم ملی کشتنی آزاد حضور دارد، در جریان این اردو به‌شدت از ناحیه مچ پا مصدوم شد؛ به‌طوری‌که ادامه حضور او در اردوی تیم ملی در حال‌ای از ابهام قرار گرفته است. نجاتیان در وزن ۹۷ کیلوگرم کشتی می‌گیرد و تنهاامید کشتی خراسان برای حضور در مسابقات المپیک است.

دل‌نوشته قاسم‌زرد نکانو به‌مناسبت درگذشت پیشکسوت فوتبال جای مدیران ورزش در خاک‌سپاری «تقی‌پور» خالی بود

دمتان گرم. چه بی‌ریا اُم‌دید و چه باشکوه و از ته دل در وداع با یک مرد باشر، شرکت کردید. درست که هوا سرد بود و ذرات برف هم به‌آرامی سرما را به‌وجودتان راه می‌داد، اما نفستان گرم بود و این مرد نازنین را در آخرین وداع با خانواده‌اش تنها نگذاشتید. هر کسی که این روزها آسانی می‌شود و پر می‌کشد، غربت تنهایی و ماتمش خانواده داغ‌دار را بدجور عذاب می‌دهد؛ اما دیروز این‌گونه نبود و جامعه داوران که همیشه هوای هم را داشته‌اند، باز هم هوای یار را داشتند. اهالی ورزش چه بازیکن و مربی و پیشکسوت، چه معلم ورزش، چه مدیر ورزش، چه داوران جوان و چه نسل طلایی داوران ما همه با هم در عزای جواد تقی‌پور در بهشت رضا و در قطعه نام‌آوران با همه وجودشان بودند. جواد غریبانه نرفت و زن‌په‌اش فهمیدند که او چقدر بزرگ و عزیز است. فهمیدند که باید به تقی‌پور افتخار کنند. این نشان از بزرگی این مرد نازنین است که در زندگی و کارش رفتار و کردار و گفتار نیکی داشت. دست همه کسانی که در جمع‌وجور کردن کارها برای خاک‌سپاری مرحوم جواد تقی‌پور زحمت کشیدند، درد نکنند؛ اما من به‌عنوان یک پیر هفتادساله از ندیدن خبرنگار و دوربین و تلویزیون کمی دل‌گیر شدم. یعنی درواقع گلایه تعدادی از بچه‌محل‌های جواد تقی‌پور بود که من به‌گفتند این درست نبود چنین مردی که اعتبار داوری خراسان و کشور بود و در میادین بین‌المللی برای جامعه داوری ما می‌درخشید، مراسم خداحفاظی‌اش به تصویر کشیده نشود. هر چند شاید وضعیت کرونا و سردی هوا و رعایت اصول بهداشتی و خطر ویروس لعنتی کرونا، دلیل نبود دوستان بوده باشد؛ اما مگر چندتا مانند مرحوم جواد تقی‌پور داریم؟! او یکی از ستون‌های اصلی داوری ما بود و جدا از ویژگی‌های فنی و بین‌المللی‌اش، ویژگی‌های انسانی و اخلاقی‌اش ممتاز بود و از سرمایه‌های فوتبال خراسان بزرگ بود که سالیان زیادی خدمت کرده بود. او این حق را داشت که خانواده‌اش با دیدن مدیران ارشد ورزش و استان در مراسم خاک‌سپاری‌اش احساس آرامش کنند. او که سال‌های زیادی با دوری از خانواده برای خدمت به جامعه جوان ما در سفر بود و از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور برای خدمت می‌رفت. این حق را داشت که مدیران هم در وداعش حاضر می‌شدند. جامعه داوری ما و بزگانش و پیشکسوتان و دبیران ورزش، سرما و گرما و سختی و رنج را سال‌ها تجربه کرده‌اند و در هر وضعیتی آماده رفاقت هستند که آمدند و نشان دادند که ریگ ته‌جوب‌اند و یار و همدم روزهای سخت. روح‌ت شاد جوادجان تقی‌پور، مرد باشر. خداحافظ دلاور. رفتی و نامت همیشه به نیکی ماندگار است.

محرومیت چهارماهه از فوتبال خطری که زندگی حرفه‌ای بازیکن مشهدی تراکتور را تهدید می‌کند

دردسر سعید

بازیکن مشهدی تیم فوتبال تراکتور تبریز با حکم محرومیت چهار ماهه فدراسیون فوتبال مواجه شد. سعید واسعی که در ابتدای فصل بعد از کش‌وقوس‌های زیاد به استقلال نرفت و لباس تراکتور تبریز را پوشید، بنابر اعلام کمیته تعیین‌وضعیت فدراسیون فوتبال شامل این محرومیت سنگین شده است. این حکم که به‌خاطر شکایت باشگاه پیکان از سعید واسعی به‌خاطر فسخ یک‌طرفه

قراردادش صادر شده، ظاهراً هنوز به باشگاه تراکتور تبریز ابلاغ نشده و برای همین ایمن بازیکن روز گذشته در جریان بازی تیمش با فولاد برای دقایقی به زمین رفت. هوشنگ نصیرزاده، معاون ورزشی باشگاه تراکتور تبریز، در رابطه با این خبر گفت: محرومیت سعید واسعی صرفاً یک خبر است که

در برنامه‌ای تلویزیونی اعلام شده است. تاکنون هیچ ابلاغی در این‌زمینه دریافت نکرده‌ایم. وی درباره به‌میدان‌رفتن واسعی در بازی با فولاد نیز اظهار کرد: با هماهنگی من این اتفاق افتاد، چراکه هنوز هیچ رأی رسمی به باشگاه تراکتور اعلام نشده است و بازی‌کردن واسعی مقابل فولاد منع قانونی نداشت. اگر چه طبق قانون، تا حکم محرومیت به‌صورت

قطعی اعلام و به باشگاه ابلاغ نشود، حضور این بازیکن در تیمش بلامانع است، ولی باین‌همه پرواوح است که سعید واسعی به دردرس افتاده است؛ اتفاقی که در جریان جدایی جنجالی او از پیکان هم مطرح شد و حالا این بازیکن جوان که با قرارداد بسیار خوبی هم به تیم تبریزی پیوسته است، باید خودش را برای یک پرونده طولانی و ادامه‌دار حقوقی آماده کند که ممکن است کاملاً فضای زندگی حرفه‌ای او را تحت‌تأثیر قرار بدهد.

امید در آزادی

درباره عملکرد آویژه‌صنعت و رعد پدافند، نمایندگان مشهد در دیدارهای معوقه لیگ برتر بسکتبال

مرتضی اخوان
m.akhavan@shahraneews.ir

دیدارهای معوقه هفته اول و دوم لیگ برتر بسکتبال برگزار شد و نمایندگان مشهد در ۳ دیداری که طی ۲ روز در تالار آزادی تهران برگزار کردند، عملکرد متفاوتی از خود به نمایش گذاشتند. تیم بسکتبال آویژه‌صنعت پارسا که بعد از موفقیت خیره‌کننده در فصل

- برد آویژه با ناکاوت «کورین»

آویژه‌صنعت پارسا در حالی اکسون را با ۱۰ امتیاز اختلاف و با نتیجه ۷۶بر ۶۶ پیش‌رو برداشت که حضور کورین هنری، ستاره آمریکایی فصل گذشته‌شان در تیم رقیب، انگیزه‌های زیادی به مشهدی‌های می‌داد تا خودی نشان دهند؛ تیمی که بسیاری موفقیت فصل قبلی‌ش را متأثر از ستاره سیاه‌چرده‌ای می‌دانستند که به‌راستی کیفیت فنی‌اش یک سروگردن بالاتر از بازیکنان ایرانی است، اما بی‌تردید اگر نبودند سایر بازیکنان، آویژه مشهد نمی‌توانست فصل گذشته به آن پیروزی‌های درخشان برسد. شاگردان سرچان ایوانوویچ در مصاف مقابل اکسون با مأموریت مهار هم‌بازی سابق، کورین هنری، پای به میدان گذاشتند و تقسیم وظایف حساب‌شده هر کدام از آسمان‌خراش‌ها، عرصه را چنان بر اکسونی‌ها تنگ کرد که تیم تقویت‌شده تهرانی در قیاس با فصل پیش، شکست بدتری مقابل پارسا متحمل شود.

آمار و اطلاعات نبرد آویژه و اکسون آمار و اطلاعات دیدار نماینده مشهد مقابل اکسون نشان می‌دهد ستاره صربستانی آویژه با ۲ متر و ۱۲ سانتی‌متر قد توانسته است ۲۳ پوئن، امتیازآورترین بازیکن میدان باشد. این درحالی است که کورین هنری اکسون فقط ۱۶ امتیاز به دست آورده و این از کار خوب و منسجم دفاعی تیم مشهدی حکایت دارد. همچنین پونیاوویچ صرب‌تبار در ریپاند یا ۱۱ ریپاند دربرایسر ۸ ریپاند و رکویچ اکسون، عملکرد بهتری داشت تا

گی‌پوگفت با فرهاد عرب پیشکسوت تیم فوتبال دهمداری مشهد

فوتبال در گذشته با عشق بود و حالا با پول!



بهنام اخوت: گلر پنجاه‌وهفت‌ساله هنوز هم سرحال و سرزنده توی دروازه پیشکسوتان دهمداری می‌ایستد و عرض‌اندام می‌کند. شجاعانه از دروازه خارج می‌شود و توپ را از زیر پای هر مهاجمی که هوس بی‌ورش به دروازه‌اش را داشته‌باشد، می‌رباید. فرهاد عرب، پیشکسوت این هفته «سه‌شنبه‌ها با پیشکسوتان فوتبال»، یک دهمداری‌چی به‌تمام‌معناست که خودش را مدیون کاظم غیاثیان و مهران افخمی می‌اند. او از خاطرات حضورش در پیراهن دهمداری وفاداری به آن می‌گوید.

● به وقت تولد ششم مردادماه سال ۱۳۴۲ در کوجه نخودمیرزا فلکه آب مشهد به دنیا آمد.م. ۲ خواهر و ۲ برادر هستم که برادرم هم مثل خودم فوتبالیست بوده‌است. ● تعداد فرزندان ۲ فرزند دارم، یک دختر و یک پسر. پسر، در نوجوان دهمداری بازی می‌کرد، اما فوتبال را ادامه نداد. ● شروع فوتبال مادرم با فوتبال‌بازی کردن من و برادرم مخالف بود. به‌همین‌خاطر بعد از اینکه خانه‌مان را به

سجاد آوردیم، خیالش راحت شد و فکر کرد دیگر زمین خاکی نیست که ما برویم فوتبال! اما همان روز اول که روی تراس رفته بودیم، یک زمین خاکی در همان نزدیکی، توجه‌مان را جلب کرد و بلافاصله از خانه بیرون رفتیم. آن‌موقع سال ۵۴ بود و تیم دهمداری تازه تشکیل شده بود. بچه‌های دهمداری در آن زمین مشغول تمرین بودند و از آنجا بود که فوتبال حرفه‌ای و جدی ما آغاز شد. در دوران فوتبال‌بازی کردنم به پیراهن دهمداری وفادار بودم. از ابومسلم، شاهین تهران، سپیدرود رشت و خیلی تیم‌ها پیشنهاد داشتم؛ اما به‌خاطر رفاقتم با دهمداری‌چی‌ها ترجیح دادم در این تیم بمانم. البته برای تیم منتخب خراسان و تیم ملی دانشجویان هم بازی کردم. فکر می‌کنم اواسط دهه ۷۰ بود که دیگر فوتبال را کنار گذاشتم؛ اما بعد از آن پیوسته با بچه‌های دهمداری و تیم پیشکسوتانشان تمریناتم را ادامه دادم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مربیگری بروم و خدوم علاقه‌ای نداشت. یک سال به‌اجبار کار در شهرداری سرپرست تیم شهرداری بودم.

● شغل مهندس عمران هستم و در شهرداری مشغولم. دوسه سال تابانزشتسگی در پیش دارم.

● دوران مربیگری مشغله‌های کاری نگذاشت به‌سمت مرب